

بسم الله الرحمن الرحيم

99/10/26

موضوع: اسناد و مدارک هجوم به خانه حضرت صديقه طاهره (سلام الله عليها)

ويژه برنامه دانش افزايی فاطمی

فهرست مطالب این برنامه:

مبنایی در اهل سنت که مانع رسیدن بسیاری از حقایق دینی می شود!

اسناد و مدارک هجوم و تهدید به آتش زدن خانه امیرالمؤمنین (سلام الله عليه)

الف) «تاریخ طبری»

سه سؤال کلیدی بر مبنای روایت «تاریخ طبری»!

بررسی سند روایت طبری!

ب) «مصنف ابن ابی شیبیه»

بررسی سند روایت «ابن ابی شیبیه»!

ج) «أنساب الاشراف بلاذری»

علمای بزرگوار اهل سنت! لطفاً به این چهار سؤال ما پاسخ بدهید!

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت اهل بیت عصمت و طهارت سپاس می‌گوییم. و ایام شهادت جانسوز و مظلومانه حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه‌مندان به اهل بیت عصمت و طهارت به ویژه شما گرامیان و بینندگان این برنامه تسلیت و تعزیت عرض می‌کنیم.

موضوع بحث ما امروز در رابطه با اسناد و مدارک هجوم به خانه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) است.

### مبنایی در اهل سنت که مانع رسیدن بسیاری از حقایق دینی می‌شود!

قبل از آنکه به اصل موضوع برسم، ناگزیر هستم نکته‌ای را خدمت عزیزان عرض کنم و آن اینکه عموماً اهل سنت و بزرگان‌شان تمام تلاش خود را به کار برده‌اند تا مطالبی که مربوط به درگیری میان صحابه هست به دست مردم نرسد.

آن‌ها این مطالب را از کتب محو کردند، کتاب‌هایی که در این زمینه بود سوزاندند، احادیث مربوط به این قضایا را از بین بردند، بخشنامه‌ها صادر کردند که این روایات نقل نشود، ناقلین را شلاق زدند و زندان انداختند و شکنجه کردند تا حقیقت به گوش مردم نرسد.

نام اهل بیت (علیهم السلام) در حدیث ثقلین آمده است اما تمام تلاش این افراد این است که به جای ثقلین، صحابه را جایگزین کنند. لذا «ذهبی» در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد 10 صفحه 92 به صراحت می‌گوید:

«كما تقرر عن الكف عن كثير مما شجر بين الصحابة وقتالهم رضى الله عنهم أجمعين»

«ذهبی» در ادامه می‌نویسد:

«وهذا فيما بأيدينا وبين علمائنا فينبغى طيه وإخفاؤه بل إعدامه لتصفو القلوب»

امروزه باید آنچه از درگیری بین صحابه در دست ما و علمای ما هست را کنار بیندازیم و از مردم مخفی کنیم یا ناقلین را اعدام کنیم تا قلب‌ها پاک شود.

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسی، ج 10، ص 92

این مطالب نمونه‌ای از این قضایاست. همچنین «ابن حجر هیثمی» در کتاب «تطهير الجنان» همین تعبیر را دارد و می‌نویسد:

«صرح أئمتنا وغيرهم في الأصول بأنه يجب الإمساك عما شجر بين الصحابة»

علمای ما تصریح کرده اند که واجب است از نقل درگیری که بین صحابه بوده خودداری کنیم.

تطهير الجنان واللسان عن الخوض والتفوه بثلب معاوية بن أبي سفيان؛ المؤلف: أحمد بن محمد بن علي بن حجر الهيتمي السعدي الأنصاري، شهاب الدين شيخ الإسلام، أبو العباس (المتوفى: 974 هـ)، تحقیق: الدكتور جميل عبد الله عويضة، تاريخ النشر: 1430 هـ/ 2009 م؛ ص 51

همچنین کتاب «عمدة القاری» جلد اول صفحه 222 همین عبارت را نقل می‌کند. «ابن تیمیه» هم از قافله عقب نمانده و در کتاب «مجموع الفتاوی» جلد چهارم صفحه 434 می‌گوید:

«وَإِنْ كَانَ الْمُخْتَارُ الْإِمْسَاكَ عَمَّا شَجَرَ بَيْنَ الصَّحَابَةِ»

مجموعه الفتاوی، نویسنده: ابن تیمیة، وفات: 728، رده: مصادر عقائد سنی، خطی: خیر، چاپ: طبعة  
الشیخ عبد الرحمن بن قاسم، ج 4، ص 434، باب وَسئِلَ: - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَمَّا شَجَرَ بَيْنَ الصَّخَابَةِ: عَلِي  
وَمُعَاوِيَةَ وَطَلْحَةَ وَعَائِشَةَ - هَلْ يَطَالِبُونَ بِهِ أَمْ لَا؟

بنابراین ما نباید انتظار داشته باشیم با توجه به این مبنایی که اهل سنت داشته‌اند، بسیاری از حقایق صدر  
اسلام به دست ما رسیده باشد.

با این حال همین اندازه که از درگیری‌های بین صحابه و مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) به دست ما رسیده  
است، می‌شود گفت از معجزات اهل بیت عصمت و طهارت بوده است. ائمه اطهار عدل قرآن کریم هستند.  
همانطور که خداوند متعال می‌فرماید:

**(إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ)**

ما قرآن را نازل کردیم، و ما بطور قطع آن را پاسداری می‌کنیم.

**سوره حجر (15): آیه 9**

علی رغم تمام درگیری‌هایی که بود و تلاش کردند تا درگیری‌ها را نابود کنند، الحمدلله به اندازه کافی مدارک از  
کتب اهل سنت در رابطه با مظلومیت و حقانیت اهل بیت و مذهب شیعه به دست ما رسیده است تا به آنها  
استدلال کنیم.

**اسناد و مدارک هجوم و تهدید به آتش زدن خانه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)**

در رابطه با هجوم به خانه وحی ما چندین روایت صحیح و معتبر داریم که در کتب اهل سنت آمده است. اگر  
این آقایان بتوانند پاسخ این تهدیدها را بدهند، همین مقدار برای ما کفایت می‌کند.

گرچه ما در جلسات قبل هم اشاره داشتیم که در رابطه با قضیه شهادت حضرت فاطمه زهرا به اندازه کافی سندهای معتبر و صحیح در کتب شیعه و اهل سنت داریم و برای اثبات آنچه مطلوب ما هست، می‌توانیم ارائه کنیم.

### الف) «تاریخ طبری»

روایت اول در خصوص تهدید به احراق بیت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) روایتی است که از قول «طبری» نقل شده است.

«طبری» متوفای 310 هجری است و کتاب «تاریخ» ایشان هم یکی از کتب معتبر اهل سنت است. اهل سنت نمی‌توانند کتاب «تفسیر طبری» یا «تاریخ طبری» را کنار بگذارند.

«ابن تیمیه» هم در کتاب «منهاج السنة النبویة» جلد 7 صفحه 276 مفصل در رابطه با کتب «تفسیر طبری» و «تاریخ طبری» بحث می‌کند و می‌گوید که «تفسیر طبری» و «تفسیر ابن ابی حاتم» از آن سری کتبی است که می‌توانیم به آن اعتماد کنیم.

در کتاب «تاریخ طبری» جلد دوم صفحه 233 روایتی نقل شده است که شرح آن چنین است:

«حدثنا ابن حمید قال حدثنا جریر عن مغیره عن زیاد بن کلب قال»

«ابن حمید» در اینجا «محمد بن حمید» است. مراد از «جریر» در اینجا «جریر بن عبدالله» است.

«أتی عمر بن الخطاب منزل علی وفیه طلحة والزبیر ورجال من المهاجرین»

عمر بن خطاب به منزل علی بین ابی طالب آمد، در حالی که طلحه و زبیر و جماعتی از مهاجرین در آنجا حضور داشتند.

کلمه «رجال من المهاجرين» به این معناست که شخصیت‌هایی از مهاجرین بودند. این عبارت به این معناست که افراد عادی در اینجا نبودند.

«فقال والله لأحرقن عليكم أو لتخرجن إلى البيعة»

عمر بن خطاب گفت: به خدا سوگند یا این خانه را به آتش می‌کشم یا برای بیعت با ما می‌آیید.

«لأحرقن عليكم» به این معناست که آنچنان خانه را به آتش می‌کشم که تمامی شما در خانه بسوزید!!

«فخرج عليه الزبير مصلتا السيف فعثر فسقط السيف من يده فوثبوا عليه فأخذه»

زبیر با شمشیری از غلاف بیرون کشیده آمد، اما پایش به زمین خورد و شمشیر از دستش افتاد و صحابه ریختند و شمشیر او را از دستش گرفتند.

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ج 2، ص 233، باب ذكر الأخبار الواردة باليوم الذي توفي فيه رسول الله ومبلغ سنة يوم وفاته

ما کاری با ذیل روایت نداریم، اما همین جا سؤالی از آقایان وهابی و اهل سنت داریم. آقایان وهابی در رسانه‌هایشان سروصدای زیادی به راه انداختند.

همچنین آقایان اهل سنت اعتراض دارند مبنی بر اینکه چرا شما در ایام فاطمیه مطالبی می‌آورید که خلفای ما را مورد سؤال قرار می‌دهید و اهانت می‌کنید.

این کتاب، کتاب «کافی» و «تهذیب الأحکام» و «وسائل الشیعه» و «بحارالانوار» نیست بلکه کتاب «تفسیر طبری» است و سند آن هم با مبنای رجالی اهل سنت کاملاً صحیح است.

سه سؤال کلیدی بر مبنای روایت «تاریخ طبری»!

ما سؤالی از آقایان وهابی و اهل سنت داریم. اول اینکه اگر اهل بیت رسول گرامی اسلام برای بیعت نیامدند، آیا جرم آن آتش زدن است؟!

کدام آیه از قرآن کریم فرموده است که اگر کسی اسلام نیاورد، باید خانه او را آتش زد؟! بیعت نکردن که دیگر از اسلام بالاتر نیست!!

کدام آیه فرموده است که اگر کسی اسلام نیاورد، باید خانه او را به آتش کشید و او را به خاکستر تبدیل کرد؟! قرآن کریم می‌فرماید:

**(لا إكراه في الدين)**

در قبول دین، اکراهی نیست.

**سوره بقره (2): آیه 256**

آیا رسول اکرم در طول این بیست و سه سال یکی از کفار و مشرکین یا منافقینی که کارشکنی می‌کردند را تهدید به آتش زدن خانه‌اش کردند یا خیر؟!

در جنگ احد هزار نفر به جنگ با کفار می‌رفتند، اما با تحریک «عبدالله بن اُبی» سیصد نفر برگشتند. بنده گمان نمی‌کنم کارشکنی و توطئه از این بدتر در تاریخ اسلام داشته باشیم.

جنگی که منجر شد بیش از هفتاد تن از عزیزان اسلام به شهادت رسیدند. حضرت حمزه شهید شد به خاطر اینکه «عبدالله بن اُبی» در وسط راه سیصد نفر را برگرداند.

آیا پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند «عبدالله بن اُبی» را تحدید به احراق البیت کنند یا خیر؟!

**سؤال دوم** این است که شما می‌گویید توهین کردن به صحابه گناه و معصیت است. آیات زیادی در حق صحابه نازل شده است که از آن جمله می‌توان به آیه شریفه:

## (وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ)

و سومین گروه پیشگامان پیشگام!

سوره واقعه (56): آیه 10

:9

## (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ)

محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.

سوره فتح (48): آیه 29

:9

## (لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَيَّعُونكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ)

خداوند از مؤمنانی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند راضی و خشنود شد.

سوره فتح (48): آیه 18

حال ما کاری با «رجال من المهاجرین» نداریم، اما آیا علی بن ابی طالب و «طلحه» و «زبیر» جزو بیعت کنندگان تحت شجره نبودند؟! آیا این افراد در جنگ بدر نبودند؟! آیا آنها جزو (السَّابِقُونَ) نبودند؟! آیا این حرف خلیفه دوم توهین به صحابه نیست؟!

چطور اگر یک عالم شیعه بگوید که صحابه بالای چشمشان ابرو بوده است، شما آسمان را بر سر او ویران می‌کنید. حال در اینجا خلیفه دوم می‌گوید: «والله لأحرقن علیکم».



سؤال سوم این است که طبق کتاب «صحيح بخارى» جلد پنجم صفحه 82 حديث 4240 اميرالمؤمنين و بنى هاشم براى بيعت نيامدند. همچنين «سعد بن عباد» هم بيعت نکرد.

آيا خليفه دوم که قسم خورد و قسم خود را شکست و حنث قسم کرد، کفاره قسم داد يا خير؟! اين موارد نمونه‌اى از سؤالات بود. شايد به ذهن شما سؤالات بيشتري بيايد. تعبير کتاب «صحيح بخارى» است که مى‌نويسد:

### «ولم يكن يبايع تلك الأشهر»

على بن أبى طالب در شش ماهى که حضرت فاطمه زهرا زنده بود، بيعت نکرد.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفى، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 4، ص 1549، ح 3998

همچنين در کتاب «مصنف عبدالرزاق صنعانى» جلد پنجم صفحه 472 از قول «زهري» مى‌گويد: نه تنها على بن أبى طالب بيعت نکرد، بلکه هيچ يك از بنى هاشم هم بيعت نکردند. حال خليفه دوم مى‌گويد: قسم به خدا اگر بيعت نکنيد، من خانه را با تمام ساكنينش به آتش مى‌كشم.

### بررسی سند روایت طبری!

حال راويان اين روايت را بررسی کنيم. راوى اول «محمد بن حميد» است. آقاى «ألبانى» که به تعبير «بن باز»، اميرالمؤمنين در حديث هست، در کتاب «الأحاديث الصحيحة» جلد سوم مى‌گويد:

«وفى إسناد البزار محمد بن حميد الرازى وهو ثقة»

سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن  
الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: 1420 هـ)، الناشر: مكتبة المعارف للنشر  
والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، (لمكتبة المعارف)، ج 3، ص 225، ح 1225

همچنین «یحیی بن معین» در کتاب «تهذیب الکمال» جلد 25 صفحه 100 می‌گوید:

«من فاته ابن حمید یحتاج أن ینزل فی عشرة آلاف حدیث»

اگر احادیث ابن حمید از دست کسی برود، ده هزار روایت را از دست داده است.

از این بهتر؟! همچنین در ادامه آمده است:

«سئل یحیی بن معین عن محمد بن حمید الرازی»

از یحیی بن معین سؤال می‌کنند که محمد بن حمید چکاره است.

«فقال: ثقة»

تهذیب الکمال، اسم المؤلف: یوسف بن الزکی عبدالرحمن أبو الحجاج المزی، دار النشر: مؤسسة الرسالة  
- بیروت - 1400 - 1980، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. بشار عواد معروف، ج 25، ص 100 و 101، ح  
5167

راوی بعد «جریر بن عبدالحمید» است. در کتاب «تهذیب الکمال» اثر «مزی» جلد چهارم صفحه 544 راجع به  
ایشان می‌نویسد:

«وَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ سَعْدٍ: كَانَ ثِقَّةً كَثِيرَ الْعِلْمِ، يَرْحَلُ إِلَيْهِ»

تهذيب الكمال، اسم المؤلف: يوسف بن الزكي عبدالرحمن أبو الحجاج المزى، دار النشر: مؤسسة الرسالة

- بيروت - 1400 - 1980، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ج 4، ص 544، ح 918

طبق این روایت تمام علما از دور و نزدیک برای گرفتن حدیث خدمت ایشان می‌آمدند. راوی بعد «مغیره بن مقسم» هست. بازهم در کتاب «تهذيب الكمال» اثر «مزی» جلد بیست و هشتم صفحه 397 نسبت به ایشان می‌نویسد:

«الفقيه»

ایشان همچنین می‌نویسد:

«وَقَالَ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ عِيَّاشٍ: كَانَ مَغِيرَةَ مِنْ أَفْقَهُمْ»

در ادامه می‌نویسد:

«عن يحيى بن مَعِينٍ: ثقة، مأمون»

تهذيب الكمال، اسم المؤلف: يوسف بن الزكي عبدالرحمن أبو الحجاج المزى، دار النشر: مؤسسة الرسالة

- بيروت - 1400 - 1980، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ج 28، ص 397 - 400، ح

6143

راوی بعد «زیاد بن کلیب» هست که در کتاب «تهذيب الكمال» جلد نهم صفحه 504 در خصوص ایشان می‌نویسد:

«كان ثقة في الحديث، قديم الموت»

همچنین «ابو حاتم» در مورد ایشان گفته است:

«صالح، من قدماء أصحاب إبراهيم، ليس بالمتين في حفظه»

در ادامه می‌نویسد:

«وَقَالَ النَّسَائِيُّ: ثَقَّةٌ»

تهذیب الڪمال، اسم المؤلف: يوسف بن الزكى عبدالرحمن أبو الحجاج المزى، دار النشر: مؤسسة الرسالة

- بيروت - 1400 - 1980، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ج 9، ص 505، ح 2065

بنابراین نمی‌توانید بگویند روایت «طبری» ضعیف است و شما علیه ما به یک روایت ضعیف استدلال می‌کنید. بعضی از شبکه‌های وهابی ادعا می‌کند که شما به یک سری آشغال‌هایی در لا به لای کتاب‌های ما استناد می‌کنید!!

من نمی‌دانم این آشغال‌ها در کتاب‌های اهل سنت چکار می‌کند، اما سند روایت صددرصد صحیح است. میان برنامه‌ای می‌بینیم و برمی‌گردیم در خدمت عزیزان هستیم.

بسم الله الرحمن الرحيم. بحث ما در رابطه با اسناد تهدید به احراق بود که در این رابطه عبارتی از کتاب «تاریخ طبری» آوردیم، تحلیل کردیم، بررسی سندی کردیم و سؤال هم طرح کردیم که آقایان باید پاسخ بدهند.

**ب) «مصنف ابن ابی شیبیه»**

روایت دوم که سندا هم صحیح است، روایت «ابن ابی شیبیه» متوفای 235 هجری و استاد «بخاری» است. در کتاب «مصنف» جلد هفتم صفحه 432 نقل شده است:

«أنه حين بويع لأبي بكر بعد رسول الله كان على والزيير يدخلان على فاطمة بنت رسول الله فيشاورونها

ويرتجعون في أمرهم»

هنگامی که مردم با ابوبکر بیعت کردند، علی بن ابی طالب و زبیر در خانه حضرت فاطمه زهرا به گفتگو و مشاوره پرداخته بودند تا بتوانند امر خلافت را برگردانند.

«یرتجعون» به معنای چیزی است که از دست رفته است.

«فلما بلغ ذلك عمر بن الخطاب خرج حتى دخل على فاطمة فقال يا بنت رسول الله والله ما من أحد أحب إلينا من أبيك وما من أحد أحب إلينا بعد أبيك منك»

وقتی این خبر به عمر بن خطاب رسید، او به خانه حضرت فاطمه زهرا آمد و عرضه داشت: ای دختر رسول خدا! محبوبترین فرد نزد ما پدر توست و پس از رحلت پدرت تو محبوبترین فرد نزد ما هستی.

«وَأيم الله ما ذاك بمانعي ان اجتمع هؤلاء النفر عندك إن أمرتهم أن يحرق عليهم البيت»

ولی به خدا سوگند این محبت مانع از آن نیست که اگر این افراد در خانه تو جمع شوند، دستور ندهم خانه را بر آنها بسوزانند.

المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 7، ص 432، ح

37045

مراد «عمر بن خطاب» این است که آنچنان خانه را آتش می‌زنم که تمامی افراد درون خانه بسوزند!! جالب اینجاست که حضرت فاطمه زهرا گفت: خلیفه دوم قسم خورد و به قسم خود هم عمل خواهد کرد.

ما در اینجا همین سؤال را طرح می‌کنیم. عمر بن خطاب می‌گوید: "عزیزتر از شما در نزد من کسی نیست، اما اگر برای بیعت با ابوبکر نیابند خانه را به آتش می‌کشم و افراد درون خانه را در آتش می‌سوزانم."

آیا ما در اسلام تعزیر یا حدی داریم که اگر فردی مرتکب گناهی شد، باید او را در آتش سوزاند؟! حال ما کاری با قضیه پشیمان بودن خلیفه اول از سوزاندن « فجاءة سلمی » نداریم.

مشرکین بیست و یک سال با رسول گرامی اسلام جنگیدند؛ سیزده سال در مکه و هشت سال در مدینه. آیا زمانی که پیغمبر اکرم به این افراد مسلط شدند، دستور دادند که آنها را بسوزانند؟!

در جنگ بدر که اولین جنگ بین اسلام و کفار قریش بود و اسرای زیادی به نفع مسلمانان گرفته شد، آیا رسول گرامی اسلام آنها را سوزاند؟!

همچنین در جنگ احد وقتی رسول اکرم به «وحشی» قاتل حمزه سیدالشهداء که قلبشان را به درد آورد مسلط شدند، دستور دادند که او را بسوزانند؟!

خلیفه دوم به صراحت اعلام می‌کند که اگر علی بن ابی طالب برای بیعت نیایند، خانه را به آتش می‌کشم و همه افراد خانه را می‌سوزانند!!

این‌ها یک سری سؤالاتی است که ما باید طرح کنیم و علمای اهل سنت و وهابیت جواب بدهند، اما می‌بینیم که جوابی ندارند.

ما اهانت به مقدسات اهل سنت را خلاف شرع و حرام می‌دانیم. اگر کسی بالای منبر یا در شبکه‌های ماهواره‌ای یا جلسات شروع به سب و لعن علنی کند، خلاف شرع و حرام است به این جهت که باعث ایجاد فتنه می‌شود.

ولی آیا بازخوانی تاریخ و نقل روایت از کتب اهل سنت که با سند صحیح آمده است و تحلیل کردن آن و سؤال پرسیدن در این خصوص گناه است؟!

ما باید جوانان شیعه یا جوانان تحصیل کرده اهل سنت را با این حوادث تلخ و ناگوار صدر اسلام آشنا کنیم.

کسانی که از راه فاصله گرفتند و از حقیقت دور شدند، وقتی این مطالب را می‌بینند نقطه عطفی در ذهن و تاریخ زندگی‌شان ایجاد می‌شود که به دنبال حقیقت بروند.

چنین نباشد که یک مرتبه از این عالم به عالم دیگر منتقل شوند و ببینند که عمری بی‌راهه رفته بودند و بزرگان به آنها حقیقت را نگفته بود. همانطور که «ذهبی» در این باره می‌گوید: «فینبغی طیه وإخفاؤه بل إعدامه لتصفو القلوب».

### بررسی سند روایت «ابن ابی شیبیه»!

حال این روایت را از نظر سند بررسی می‌کنیم. راوی اول روایت «محمد بن بشر» است که «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «تهذیب التهذیب» جلد 9 صفحه 64 وقتی می‌خواهد در مورد «محمد بن بشر» صحبت کند، می‌گوید:

«وكان ثقة كثير الحديث»

سپس می‌نویسد:

«وقال النسائي وابن قانع ثقة»

در ادامه می‌نویسد:

«عثمان بن أبي شيبة محمد بن بشر ثقة ثبت»

تهذیب التهذیب، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار

الفکر - بیروت - 1404 - 1984، الطبعة: الأولى، ج 9، ص 64، ح 90

راوی بعد «عبداللہ بن عمر بن حفص» است. بازهم «تہذیب الکمال» اثر «مزى» جلد نوزدهم صفحه 128 شرح حال او را می‌آورد و می‌نویسد «یحیی بن معین» که یکی از استوانه‌های علم رجال اهل سنت است، در خصوص او می‌گوید:

«قال یحیی بن مَعین: عُبید الله بن عُمَر من الثقات»

همچنین می‌نویسد:

«وَقَالَ أَبُو زُرْعَةَ، وَأَبُو حَاتِمٍ: ثِقَةٌ. وَقَالَ النَّسَائِيُّ: ثِقَةٌ ثَبَتَ»

تہذیب الکمال، اسم المؤلف: یوسف بن الزکی عبدالرحمن أبو الحجاج المزى، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - 1400 - 1980، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. بشار عواد معروف، ج 19، ص 128، ح 3668

راوی دیگر «زید بن أسلم» است که در کتاب «تہذیب الکمال» جلد دهم صفحه 12 می‌نویسد:

«زید بن أسلم القرشى، العدوى، أبو أسامة، ويقال: أبو عبد الله، المدنى، الفقيه، مولى عُمَر بن الخطاب»

در ادامه می‌نویسد:

«ثقة من أهل الفقه والعلم، وكان عالما بتفسير القرآن، له كتاب فيه تفسير القرآن»

همچنین می‌نویسد:

«وَالنَّسَائِيُّ، وابن خراش: ثقة»

تہذیب الکمال، اسم المؤلف: یوسف بن الزکی عبدالرحمن أبو الحجاج المزى، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - 1400 - 1980، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. بشار عواد معروف، ج 10، ص 12، ح 2088



مشاهده کنید «ابوزرعه» و «ابو حاتم» و «محمد بن سعد» همگی او را توثیق کردند. «أسلم قرشی» یکی از تابعین است. در کتاب «تهذیب الکمال» جلد دو در خصوص او می‌نویسد:

«أسلم القرشی العدوی، أبو خالد، ويقال: أبو زيد المدني، مولی عمر بن الخطاب»

سپس می‌نویسد:

«وَقَالَ العجلی: مدینی ثقة من كبار التابعین. وَقَالَ أبو زُرْعَة ثقة»

تهذیب الکمال، اسم المؤلف: یوسف بن الزکی عبدالرحمن أبو الحجاج المزی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - 1400 - 1980، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. بشار عواد معروف، ج 2، ص 529، ح 407

بعضی از افراد نقل کرده‌اند که ایشان جزو صحابه بوده است. در کتاب «الإصابة فی تمييز الصحابة» جلد اول در شرح حال «أسلم مولی عمر» آمده است:

«سافر مع النبی سفرتین»

او دو مرتبه با پیغمبر اکرم به مسافرت رفته است.

الإصابة فی تمييز الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار الجیل - بیروت - 1412 - 1992، الطبعة: الأولى، تحقیق: علی محمد البجاوی، ج 1، ص 63،

ح 131

اگر چنین باشد، ایشان صحابه است و صحابه از دیدگاه آقایان اهل سنت؛

«أن الصحابة کلهم عدول»

صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، اسم المؤلف: محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1414 - 1993، الطبعة: الثانية، تحقيق: شعيب الأرنؤوط؛ ج 1، ص 162

و:

«الصحابة كلهم من أهل الجنة قطعاً»

قطعاً تمام صحابه اهل بهشت هستند.

الإصابة في تمييز الصحابة، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852 هـ)، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى - 1415 هـ ج 1، ص 163

همچنین «ابن حجر» نسبت به او گفته است:

«أسلم العدوى مولى عمر ثقة مخضرم»

تقريب التهذيب، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، دار النشر: دار الرشيد - سوريا - 1406 - 1986، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد عوامة، ج 1، ص 104، ح 406

«مخضرم» کسی است که هم دوران جاهلیت را درک کرده است و هم دوران اسلام را درک کرده است. این هم یک روایت است.

از طرف دیگر آقای «حسن بن فرحان مالکی» کتابی تحت عنوان «قراءة في كتب العقائد» دارند. ایشان وقتی به این روایت می‌رسد، می‌نویسد:

«كنت أظن المداهمة مكذوبة لا تصح»

تصور می‌کردم ماجرای هجوم به خانه حضرت زهرا ساخته و پرداخته عده‌ای افراد و دروغ پردازی است.

« حتی وجدت لها أسانيد قوية منها ما أخرجه ابن أبي شيبة في المصنف »

تا زمانی که سندهای قوی برای این قضیه پیدا کردم که از جمله آنها قول ابن ابی شیبیه است که در کتاب مصنف خود با سند صحیح آورده است.

« لكن ليس كما يببالغ غلاة الشيعة وليس كما ينفي غلاة الحنابلة »

ما با غلات شیعه کاری نداریم و همچنین با غلات حنابله هم کاری نداریم.

قراه فی کتب العقائد المذهب الحنبلی نموذجاً؛ المالکی، حسن بن فرحان، ناشر: مرکز الدراسات التاريخيه - عمان - المملكة الأردنية الهاشمية، الطبعة الأولى، 1421هـ - 2000م، باب وصيه أبي بكر لعمر بالخلافه وموقف المسلمين منها، ص 52

همچنین «حسن حسینی» که یکی از وهابی‌های هتاک بحرین است، در کتاب «موسوعة الحسن و الحسين» می‌نویسد:

«فهذا هو الثابت الصحيح»

این از روایاتی است که ثابت و صحیح است.

موسوعة الحسن و الحسين؛ تألیف: حسن حسینی، ص 191

«سعد بن ناصر» که «مصنف ابن ابی شیبیه» را تحقیق می‌کند، در پاورقی می‌نویسد که این روایت صحیح است.

دهها نفر از این افراد روایت را تصحیح کرده‌اند. علاوه بر اینکه راویان روایت همگی ثقة هستند، بزرگان اهل سنت این روایت را تصحیح کرده‌اند. در این صورت دیگر راهی برای فرار و توجیه نیست.

### ج) «أنساب الأشراف بلاذری»

روایت سوم روایت آقای «بلاذری» متوفای 270 هجری است که در عصر غیبت صغری بوده است. ایشان در کتاب «أنساب الأشراف» جلد اول صفحه 252 می‌گوید:

### «أن أبا بكر أرسل إلى علي يرید البيعة، فلم يبايع»

ابوبکر شخصی را نزد علی بن ابی طالب فرستاد تا برای بیعت بیاید، اما علی بیعت نکرد.

### «فجاء عمر، ومعه قيس»

عمر بن خطاب آمد، در حالی که همراه خود وسایل آتش سوزی آورده بود.

در حال حاضر از وسایل آتش سوزی می‌توان به بنزین و نفت اشاره کرد، اما در آن زمان برای اینکه یک جا را آتش بزنند روغن‌هایی که داخل چراغ می‌ریختند و روی آن فتیله می‌گذاشتند را با خود می‌بردند.

در بعضی از منابع آمده است که عمر بن خطاب برای آتش زدن هیزمی پشت در خانه حضرت فاطمه زهرا جمع کرد.

### «فتلقته فاطمةُ علي الباب»

حضرت فاطمه زهرا با خلیفه دوم دم در ملاقات کرد.

### «فقالت فاطمة: يا بن الخطاب، أتراك محرَقاً علي بابي؟»

حضرت فاطمه فرمود: ای پسر خطاب! آمدی که مرا به آتش بکشی؟

این مسئله خیلی واضح و روشن است و قابل هیچ توجیهی نیست.

**«قال: نعم، وذلك أقوى فيما جاء به أبوك»**

عمر بن خطاب گفت: بله، آتش زدن خانه شما دین پدرت را تقویت می‌کند.

بنده واقعاً ذهنم از توجیه و تحلیل این روایت عاجز است. این چه دین و مذهبی است که آتش زدن خانه حضرت صدیقه طاهره باعث تقویت او باشد!!

آیا رسول گرامی اسلام آورنده دین اسلام که بیست و سه سال زحمت کشید، برای تقویت دینش چنین کاری کرده است که این آقایان می‌خواهند بعد از رحلت نبی گرامی اسلام با خانه دختر رسول اکرم این برخورد را داشته باشند؟!

جالب اینجاست که ایشان در ذیل این روایت، عبارت دروغی آورده است و در ادامه می‌نویسد:

**«وجاء علي، فبايع وقال: كنتُ عزمْتُ أن لا أخرج من منزلي حتى أجمع القرآن»**

أنساب الأشراف، اسم المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (المتوفى: 279 هـ)، ج 1، ص 252،

باب أمر السقيفة

این قضیه دروغ محض است. ما از کتب معتبر اهل سنت بیان کردیم که امیرالمؤمنین تا شش ماه با خلفا بیعت نکرد. عزیزان دومرتبه ببینند:

**«وَعَاشَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ سِنَةً أَشْهُرًا»**

سپس می‌نویسد:

**«ولم يكن يبايع تلك الأشهر»**

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفى، دار النشر: دار  
ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 4، ص  
1549، ح 3998

همچنین در کتاب «صحيح مسلم» آمده است:

**«ولم يكن بايع تلك الأشهر»**

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء  
التراث العربى - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 3، ص 1380، ح 1759

در این روایات آمده است که امیرالمؤمنین تا شش ماه با خلفا بیعت نکردند. ما از قول «زهري» عرض کردیم  
که نه تنها علی بن ابی طالب بیعت نکرد، بلکه دیگر بنی هاشم هم بیعت نکردند.

همچنین بیش از شصت تن از صحابه که آمار آنها را جمع کردیم، با ابوبکر بیعت نکردند. حال تکلیف ما  
چیست؟! آیا جرم بیعت نکردن، آتش زدن و آتش سوزاندن هست؟!!

ابتدا میان برنامه‌ای می‌بینیم تا سؤالاتی که دوستان مطرح کردند نمایش داده شود و در ادامه عرایض را ادامه  
خواهم داد.

عزیزان دقت کنند ما در جلسه اول هم اشاره کردیم در کتب معتبر اهل سنت در خصوص حضرت فاطمه زهرا  
(سلام الله علیها) آمده است:

**«فَعَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُوفِّيَتْ»**

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار  
ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 3، ص  
1126، ح 2926

طبق این روایت حضرت فاطمه زهرا غضبناک شدند و به هیچ وجه با ابوبکر بیعت نکردند و تا آخر عمر هم با  
ابوبکر و عمر بن خطاب سخن نگفتند.

حال شخصی همانند «بیهقی» بعد از چند قرن روایتی جعلی درست می‌کند و در کتاب «دلائل النبوة» جلد  
هفتم صفحه 286 ادعا می‌کند که حضرت فاطمه زهرا در آخر عمر از خلفا راضی شدند!!

او این روایت را از قول «شعبی» نقل کرده که یکی از منافقین است و به امیرالمؤمنین در جلسات ناسزا  
می‌گفت.

مشاهده کنید در کتاب «أنساب الأشراف» جلد سیزدهم روایتی از قول «شعبی» نقل شده است که می‌گوید: ما  
نزد «حجاج بن یوسف ثقفی» می‌آمدیم. در آنجا وقتی به علی بن ابی طالب ناسزا می‌گفتند و سب می‌کردند،  
ما هم ناسزا می‌گفتیم.

حال چنین شخصی چنین عبارتی را نقل می‌کند. این در حالی است که در کتاب «مستدرک علی الصحیحین»  
اثر «حاکم نیشابوری» آمده است که پیغمبر اکرم فرمود:

**«من سب علیا فقد سبني»**

هرکس به علی ناسزا بگوید، به من ناسزا گفته است.

در مورد سند روایت هم آمده است:

**«هذا حدیث صحیح الإسناد ولم یخرجاه»**

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر:  
دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج  
3، ص 130، ح 4615

بنابراین مباحثی که حضرات مطرح می‌کنند، به هیچ وجه قابل توجیه نیست. توجیهاتی که آقایان در بحث  
هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا مطرح می‌کنند، به هیچ وجه قابل قبول نیست.

البته ما نقل‌های دیگری هم در رابطه با توجیه داریم. بنده تنها فهرست آنها را خدمت عزیزان عرض می‌کنم.

«محمد بن شحنة» متوفای 815 هجری کتابی تحت عنوان «روض المناظر فی علم الاوائل و الأواخر» دارد.  
ایشان بحث سال 11 هجری را مطرح می‌کند و در اینجا می‌گوید:

«ليحرقه على من فيه فلقيته فاطمة فقال: ادخلوا فيما دخلت فيه الأمة»

نقل شده است که عایشه می‌گوید:

«لم يبايع عليّ أبابكر حتى ماتت فاطمة»

روضه المناظر فی أخبار الأوائل والأواخر، محمد بن شحنة؛ هامش الكامل لابن الأثير، ط الحلبي، الأندلس  
سنه 1301؛ ج 11، ص 113

«ذهبی» در کتاب «شذرات الذهب» وقتی به «ابن شحنة» می‌رسد، می‌نویسد:

«وحفظ القرآن العظيم وعدة متون وتفقه وبرع في الفقه والأصول والنحو والأدب وأفتى ودرس وتولى  
قضاء قضاة الحنفية بحلب»



شذرات الذهب فى أخبار من ذهب، اسم المؤلف: عبد الحى بن أحمد بن محمد العكرى الحنبلى، دار  
النشر: دار بن كثير- دمشق - 1406 هـ الطبعة: ط 1، تحقيق: عبد القادر الأرناؤوط، محمود الأرناؤوط، ج  
7، ص 113، باب سنة خمس عشرة وثمانمئة

همچنين آقاي «ابو محمد يمني» در كتاب «عقائد الثلاث» هم همين تعبير هجوم را مطرح مى‌کند و خلفا را  
متهم به فتنه گرى مى‌کند و مى‌نويسد:

«شق عصى المسلمين»

کلمه «شق عصى» به معنای فتنه گرى است. پیغمبر اکرم فرمودند: اگر کسی فتنه گرى کرد، هرکسى بود او را  
بکشيد.

این افراد به دنبال این بودند که به هر بهانه‌ای زمین قتل اميرالمؤمنين را فراهم کنند. همچنين در کتاب «شرح  
أصول الخمسة» اثر «عبدالجبار بن احمد» صفحه 756 آمده است که وقتى اميرالمؤمنين از بيعت امتناع کرد؛

«هجموا على دار فاطمة»

شرح الأصول الخمسة؛ قاضى عبد الجبار، عبدالجبار بن احمد؛ تحقيق: عثمان، عبدالکريم؛ قاهره - مصر،  
مکتبه وهبة ، 1416ق./1996م؛ ص 756

همچنين «سيد عبدالعزيز بن سالم» که يکى از شخصيت‌هاى برجسته اهل سنت است، در کتاب «تاريخ دول  
عربية» مى‌نويسد:

«فخرج إليهم عمر بن الخطاب فى جماعة من الصحابة و أرغموا بنى هاشم»

تاريخ الدولة العربية؛ تأليف: سيد عبدالعزيز بن سالم، ص 151 - 163

کلمه «أرغموا» عبارت بسیار وقیحی است و خیلی زشت است! این کلمه بدان معناست که نستجیر بالله پوزه آنها را به خاک مالانندند تا بیایند و بیعت کنند.

«محمد حسین هیکل» که یکی از شخصیت‌های برجسته مصر و دانشگاه الأزهر هست، در کتاب «الصدیق ابوبکر» مفصل این مسئله را مطرح می‌کند و خیلی واضح و روشن می‌گوید:

«فأتيا في جماعة حتى هجموا الدار»

خلفا با تعدادی از جماعت آمدند و به خانه حضرت زهرا هجوم آوردند.

الصدیق أبو بکر؛ محمد حسنین هیکل؛ کلمات عربیة للترجمة والنشر؛ جمهورية مصر العربية؛ ص 57

علمای بزرگوار اهل سنت! لطفاً به این چهار سؤال ما پاسخ بدهید!

این روایات نمونه‌هایی بود که ما برای عزیزان و دوستانمان نقل کردیم. مهم‌ترین چیزی که در اینجا مطرح است، این است که بنده در این زمینه چند سؤال طرح کردم و می‌خواهم از آقایان بپرسم.

**سؤال اول:** چرا به خانه دیگر صحابه که بیعت نکردند، هجوم نشد و تهدید به آتش نکردند؟!

مشاهده کنید در کتاب «أسد الغابة في معرفة الصحابة» که یکی از کتب معتبر و تراز اول شرح حال صحابه است، آمده است:

«وتخلف عن بيعته: علي، وبنو هاشم، والزُّبير بن العوّام، وخالد بن سعيد بن العاص، وسعدُ بن عبادة

الأنصاري. ثم إن الجميع بايعوا بعد موت فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم إلا سعد بن عبادة،

فإنه لم يبايع أحداً إلى أن مات»

أسد الغابة فى معرفة الصحابة، اسم المؤلف: عز الدين بن الأثير أبى الحسن على بن محمد الجزرى، دار النشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت / لبنان - 1417 هـ - 1996 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل أحمد الرفاعى، ج 3، ص 339، ح 3053

چرا این هجوم و تهدید به آتش به خانه دیگر صحابه‌ای که بیعت نکردند، صورت نگرفت؟! علت آن چه بود؟! آیا به خاطر این نبود که علی بن أبى طالب خلیفه منصوب پیغمبر اکرم بود؟! تنها هفتاد و دو روز بیشتر نگذشته بودند و مردم همگی شنیدند که پیغمبر اکرم فرمود:

«یا علی أنت خلیفتى من بعدى»

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبى القاسم على بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1995، تحقيق: محب الدين أبى سعيد عمر بن غرامة العمري؛ ج 42، ص 42

:9

«یا علی أنت وصی»

یا علی! تو وصی من هستی. به امر خدای عالم تو را خلیفه خودم کردم و تو به امر پروردگار خلیفه من هستی.

من لا یحضره الفقیه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 4، ص 179، ح 5405

:9

«أنت ولی کل مؤمن بعدى ومؤمنة»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر:  
دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج  
3، ص 143، ح 4652

و:

### «عَلِي إِمَامٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي»

عيون أخبار الرضا عليه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی،  
ج 1، ص 281، ح 26

بنابراین وحشت داشتند از اینکه امیرالمؤمنین به میدان بیایند و احادیثی که مردم از پیغمبر اکرم شنیدند را  
یادآوری کنند و پایه‌های حکومتی بنی امیه متزلزل شود.

سؤال دوم: چرا ابوبکر در آخر عمر از هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) اظهار ندامت کرد؟!  
«ذهبی» در کتاب «تاریخ الإسلام» جلد سوم صفحه 117 به صراحت می‌نویسد که ابوبکر گفت:

«وددت أني لم أكن كشفت بيت فاطمة وأن أغلق على الحرب»

دوست داشتم که حرمت خانه حضرت فاطمه را نشکسته بودم و این درگیری را متوقف کرده بودم.

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان  
الذهبی، دار النشر: دار الكتاب العربي - لبنان / بيروت - 1407 هـ - 1987 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: د.  
عمر عبد السلام تدمري، ج 3، ص 117، باب المتوفون فی هذه السنة

ما دهها روایت صحیح داریم که ابوبکر در آخر عمر از هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا اظهار ندامت کرده  
است.

حال این هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا درست بود یا درست نبود؟! اگر این کار درست بود که انسان از کار درست اظهار ندامت نمی‌کند. اگر این کار درست نبود، چرا این کار نادرست را نسبت به حضرت فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین و دیگران مرتکب شدند؟!

طبق این روایت ابوبکر اظهار ندامت کرد. چرا دیگر صحابه نظیر عمر بن خطاب، «خالد» و هجده نفری که در ماجرای هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا دست داشتند، اظهار ندامت نکردند؟!

اگر واقعاً اظهار ندامت کردن نشانه پشیمانی و توبه کردن است، چرا آنها این کار را انجام ندادند؟!

**سؤال سوم:** آیا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) با کسانی که بیعت نکردند، چنین کاری کرد؟!

**«علي مع الحق والحق مع علي ولن يتفرقا حتى يردا علي الحوض يوم القيامة»**

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن  
إبن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1995، تحقيق: محب الدين أبي سعيد  
عمر بن غرامة العمري؛ ج 42، ص 449

و:

**«علي مع القرآن والقرآن مع علي لن يتفرقا حتى يردا على الحوض»**

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر:  
دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج  
3، ص 134، ح 4628

پنجاه کتاب با سند معتبر روایت «علي مع الحق» را نقل کرده‌اند. مشاهده کنید «ابن تیمیه» در کتاب «منهاج السنة النبوية» جلد هفتم 473 می‌نویسد: تعدادی از صحابه با علی بن ابی طالب بیعت نکردند.

«كسعد بن أبي وقاص و أسامة بن زيد وابن عمر ومحمد بن مسلمة وزيد بن ثابت وأبى هريرة و أمثال هؤلاء من السابقين والذين اتبعوهم بإحسان»

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة - 1406، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج 7، ص 473، فصل و هنا طرق يمكن سلوكها لمن لم تكن له معرفة بالأخبار من الخاصة

این افراد هیچکدام با امیرالمؤمنین بیعت نکردند. اگر جرم بیعت نکردن هجوم به خانه و آتش زدن او هست، چرا امیرالمؤمنین این کار را انجام ندادند؟! کتاب «تاریخ الإسلام» جلد سوم صفحه 117 و 118 به صراحت می‌گوید:

«وددت أنى لم أكن كشفت بيت فاطمة وأن أغلق على الحرب»

همچنین در کتاب «الأحاديث المختارة» که تمام روایات آن طبق گفته آقایان صحیح است، نقل شده است:

«فَأَمَّا الثَّلَاثُ اللَّاتِي وَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَفْعَلُهُنَّ فَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَكُنْ كَشَفْتُ بَيْتَ فَاطِمَةَ أَوْ تَرَكْتُهُ وَأَنْ أُغْلِقَ عَلَيَّ الْحَرْبِ»

الأحاديث المختارة أو المستخرج من الأحاديث المختارة مما لم يخرج البخاري ومسلم في صحيحهما، المؤلف: ضياء الدين أبو عبد الله محمد بن عبد الواحد المقدسي (المتوفى: 643 هـ)، دراسة وتحقيق: معالي الأستاذ الدكتور عبد الملك بن عبد الله بن دهيش، الناشر: دار خضر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، 1420 هـ - 2000 م، ج 1، ص 89، ح 12

طبق این روایت ابوبکر می‌گوید که دوست داشتم پرونده درگیری با حضرت فاطمه زهرا و علی بن ابی طالب را می‌بستم!

**سؤال چهارم:** چرا شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) همانطور که در کتب شیعه به اسانید متعدد

بلکه به تعبیر «علامه مجلسی» به صورت متواتر آمده است، در کتب اهل سنت نیامده است؟!

ما از همه عزیزان و بزرگوارانی که این برنامه را دیدند، تشکر می‌کنیم و همه را به خداوند مَنّان می‌سپاریم.

خداوند به حق حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) تلاش‌های ما و شما عزیزان را ذخیره‌ای برای لحظه جان

کندن و شب اول قبر ما و برزخ و قیامت ما قرار بدهد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته